

مجمع شانگری لا و تنش میان آمریکا و چین

مجمع شانگری لا در بیست و دومین دور خود، در روزهای ۳۰ مه تا ۱ ژوئن ۲۰۲۵ در سنگاپور برگزار شد؛ با حضور حدود ۵۰۰ نماینده سیاسی، نظامی و مسئول در وزارتخانه‌های دفاع از ۴۷ کشور و سازمان.

این مجمع سالانه دفاعی امنیتی، به‌منظور بررسی مسائل فوری امنیتی منطقه‌ای و تبادل راحل‌های سیاسی برگزار می‌شود و فرصت دیدارهای دوجانبه بین مسئولان کشورهای شرکت‌کننده را نیز فراهم می‌کند.

نماینده آمریکا در این مجمع، وزیر دفاعش پیت هیگست بود که چین را به‌عنوان مسئله اصلی و فوری مطرح کرد و هشدار داد که: «چین به‌وضوح و با اعتماد به‌نفس، خود را برای استفاده از نیروی نظامی به‌منظور تغییر موازنه قدرت در منطقه هند و پاسیفیک آماده می‌کند». او گفت: «تهدید چین واقعی است و ممکن است قریب‌الوقوع باشد. پکن امیدوار است بر آسیا سلطه یافته و آن را تحت کنترل خود درآورد».

چین، وزیر دفاع خود را به این نشست نفرستاد و به‌جای او هیئتی از دانشگاه دفاع ملی وابسته به ارتش چین را اعزام کرد؛ پیامی به آمریکا برای کاستن از اهمیت این مجمع و جلوگیری از آن بود که آمریکا از این مجمع برای حمله به چین استفاده کند، چراکه می‌دانست هیگست این کار را خواهد کرد، چراکه او به سبک حملات علنی عادت دارد و از رویکرد دیپلماتیک فاصله می‌گیرد.

به‌همین دلیل، چین از طریق سخنگوی وزارت خارجه و نیز یکی از مسئولان وزارت دفاع خود در شبکه تلویزیون رسمی‌اش پاسخ داد که: «چین شدیداً اظهارات منفی وزیر دفاع آمریکا، هیگست را محکوم می‌کند؛ کسی که عمداً دعوت کشورهای منطقه به صلح و توسعه را نادیده گرفت، ذهنیت جنگ سرد و تقابل بلوک‌ها را ترویج کرد، چین را با ادعاهای افتراگونه بدنام ساخت و به‌دروغ آن را تهدیدی توصیف کرد» و افزود که: «این اظهارات تحریک‌آمیز با هدف ایجاد شکاف صورت گرفته است، درحالی‌که تنها کشوری که می‌توان آن را سلطه‌گر نامید، آمریکاست. آمریکا عامل اصلی در تضعیف صلح و ثبات در منطقه آسیا پاسیفیک است. برای تحکیم سلطه خود و اجرای آنچه به‌اصطلاح «راهبرد هند و پاسیفیک» می‌نامد، سلاح‌های تهاجمی در دریای جنوبی چین مستقر کرده، تنش‌ها را شعله‌ور ساخته و این منطقه را به بشکه باروت تبدیل کرده است. همچنین، از موضوع تایوان به‌عنوان ابزاری برای فشار به چین استفاده می‌کند» و آمریکا را فراخواند تا به اصل «چین واحد» پایبند بوده و از حمایت و تشویق نیروهای جدایی‌طلب حامی استقلال تایوان دست بردارد.

در این سخنان، چین به‌طور خلاصه علت اختلاف سیاسی با آمریکا را بیان کرد؛ چراکه آمریکا نیروهای خود را به‌ویژه در دریای جنوبی چین تقویت می‌کند تا مانع سلطه چین بر آن شود، درحالی‌که چین این دریا را قلمرو ویژه خود می‌داند، با تمام جزایر و منابع موجود در آن. از این‌رو، حضور خود را در آن تقویت کرده و فعالیت‌هایش را گسترش داده و با کشورهایمانند ویتنام و فیلیپین، بر سر جزایر، ماهیگیری و اکتشاف نفت و گاز، درگیر شده است. به‌طورکلی، چین در تلاش است که بازیگر اصلی و اثرگذار در منطقه هند و پاسیفیک باشد. در این میان، موضوع تایوان مطرح است؛ جایی که چین خواهان الحاق آن به خود است. آمریکا در سال ۱۹۷۹ پذیرفت که تایوان بخشی از چین است، اما شرط گذاشت که این الحاق بدون استفاده از ابزار نظامی صورت گیرد. بااین‌حال، آمریکا همواره در جهت جلوگیری از الحاق آن گام برداشته، تایوان را مسلح می‌کند و اعلام کرده که اگر چین به‌طور نظامی به آن حمله کند، از آن دفاع خواهد کرد. این رفتار، به‌نوعی نقض تعهدات آمریکا نسبت به چین به‌شمار می‌رود.

از این‌رو، آمریکا آن‌گونه که از زبان وزیر دفاعش نقل شد واقعاً از سلطه چین بر این مناطق هراس دارد و این ترس صرفاً بهانه یا تبلیغات نیست؛ زیرا چین به سطحی از توانمندی نظامی پیشرفته رسیده که قادر است سلطه یابد، چالش ایجاد کند و در کنار توان اقتصادی عظیم خود، آمریکا را در این منطقه به چالش بکشد.

آمریکا از این مجمع استفاده کرد تا افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی را علیه چین تحریک کرده و کشورهای دیگر را به‌جای نزدیک شدن به چین، از آن دور کند یا حتی در برابر آن قرار دهد. چراکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاسی، تحریک افکار عمومی علیه رقیب است؛ برای این‌که جو روانی منفی علیه او ایجاد کرده و در نتیجه، سیاست‌های خود را پیش ببرد. آمریکا از سال ۲۰۱۲، راهبرد «آسیا اقیانوس هند» را برای خود ترسیم کرد که طبق آن، ۶۰٪ از نیروهای دریایی‌اش را در این منطقه متمرکز ساخت تا مانع سلطه چین شود. سپس، در سال ۲۰۲۲، این راهبرد را به «راهبرد هند و پاسیفیک» گسترش داد تا گستره تقابل با چین را افزایش دهد. در این راهبرد آمده است: «چین، قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوریانه خود را ترکیب کرده تا منطقه نفوذی در منطقه هند و پاسیفیک ایجاد کند و در پی آن است که به قدرت غالب جهان تبدیل شود». این راهبرد پنج بند دارد: حمایت از آزادی کشتیرانی و تجارت، تقویت امنیت، ارتقاء هماهنگی منطقه‌ای، ساخت ظرفیت‌های بومی و پیشبرد شکوفایی منطقه. به‌وضوح هدف آن، جلوگیری از سلطه چین و حفظ وضعیتی است که آمریکا طی ۷۵ سال گذشته در آن، به‌تنهایی سلطه داشت.

آمریکا همچنین ائتلاف‌هایی چون «آکوس» را در سال ۲۰۲۳ با بریتانیا و استرالیا و پیش‌تر «چهارجانبه امنیتی» (کواد) را در سال ۲۰۰۷ با ژاپن، هند و استرالیا تشکیل داد و تلاش دارد آن را به ائتلافی نظامی تبدیل کند. همچنین در سال ۲۰۲۲ به ژاپن اجازه داد ماده نهم قانون اساسی‌اش که تسلیحات تهدیدکننده را ممنوع می‌کرد را تغییر داده و راهبردی برای ساخت توان دفاعی و امنیت ملی تدوین کند و بودجه نظامی‌اش را افزایش دهد، به‌گونه‌ای که شامل دفاع و حمله باشد؛ تا با قدرت فزاینده چین در منطقه مقابله کند. در تاریخ ۲۰ مه ۲۰۲۵ نیز از «گنبد طلایی» به‌عنوان سامانه پدافند موشکی زمینی، دریایی و فضایی رونمایی کرد. ژنرال مایکل گیتلین که از سوی ترامپ مأمور توسعه آن شده بود، گفت: «این سامانه برای مقابله با موشک‌های پیشرفته چین و روسیه ضروری است».

آمریکا حضور خود در «مجمع شانگری‌لا» را با وارد کردن ناتو تقویت کرد، به‌گونه‌ای که معاون رئیس کمیته نظامی ناتو، ژنرال آمریکایی رولینگ، در این نشست شرکت کرد و دیدارهای دوجانبه‌ای با مسئولان سیاسی و نظامی کشورهای منطقه هند و پاسیفیک برگزار نمود تا آن‌ها را با خود در برابر چین همراه سازد، تحت عنوان حمایت از ثبات بین‌المللی و همکاری مشترک. این اقدام، در واقع، عبور از مرزهای سنتی ناتو است که محدود به منطقه اروپا و اقیانوس اطلس است و به‌نوعی کشاندن ناتو به درگیری با چین به‌شمار می‌رود؛ امری که بسیاری از کشورهای عضو ناتو با آن موافق نیستند.

از این‌رو دیده می‌شود که آمریکا پیشاپیش برای جلوگیری از سلطه چین بر منطقه هند و پاسیفیک دست به اقدام می‌زند؛ پس تمام ظرفیت‌های سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و تبلیغاتی خود را بسیج می‌کند، ائتلاف‌ها تشکیل می‌دهد و دیگر کشورها را علیه چین تحریک می‌نماید تا خود سلطه‌گر بلامنازع این منطقه باقی بماند. او سناریویی برای درگیری میان خود و چین در این منطقه می‌چیند؛ منطقه‌ای که از لحاظ راهبردی، نظامی، اقتصادی و جمعیتی از مهم‌ترین مناطق جهان به‌شمار می‌رود، بلکه در مجاورت مستقیم با آمریکا نیز قرار دارد؛ چراکه از سواحل اقیانوس آرام آن آغاز می‌شود و تا سواحل شرق آفریقا بر کرانه اقیانوس هند امتداد دارد.

شایان ذکر است که این منطقه، در دوران خلافت اسلامی، تقریباً منطقه‌ای اسلامی به‌شمار می‌رفت و به‌نظر می‌رسد که نزاع میان قدرت‌های بزرگ حاضر در آن، شدت خواهد گرفت تا آن‌که به‌زودی، به خواست الله سبحانه‌وتعالی، خلافت راشده بر منهج نبوت بازگردد و کار را یکسره کند و این منطقه را به اصل خود بازگرداند: منطقه‌ای اسلامی که خیر و امنیت و آرامش بر آن حاکم است و شر و اضطراب و آشفتگی از آن رخت بریسته است.